

دختر گرامی پیغمبر (ص)

این مقاله را بمناسبت این ماه طبع مدارك تاريخی مسلم شيعه وسنی تهیه کرده ایم ، خوانندگان گرامی ما؛ اگر خواستار توضیحات بیشتری باشند با ما مکاتبه نمایند .

* * *

حکومت جدید که پس از درگذشت پیشوای بزرگ اسلام با شتابزدگی عجیبی تأسیس شد در برابر خود يك اقلیت وزین و آبرومندی را میدید که برای دولتی تازه و نو بنیاد وجود يك چنین اقلیت محبوب بسیار گران بود افرادی که بهنگام ماتم عمومی مسلمانان در مرگ پیغمبر از فرصت استفاده کرده و پیش از فوت وقت در موقعیکه مردم در میان التهاب و اضطراب و ماتم زدگی در آشفتگی و پریشانی بیمانندی بسر میبردند در آن جلسه معروف تاریخی در آن محل معروف (سقیفه بنی ساعده) بعد از آنهمه گفتگوهای گوناگون در میان تصادم افکار مختلف و جنگ اعصاب شدیدی که رخ داد خلیفه جدید را انتخاب کردند این افراد از اقلیتی که نه هنگام انتخاب رئیس حکومت جدید حضور داشتند و نه از این انتخاب راضی بودند سخت نگران بودند و نگرانی آنها امری کاملاً طبیعی بود چون حکومت نو بنیاد که هنوز ریشه دار نشده و کاملاً بر اوضاع مسلط نگشته بیش از هر چیز احتیاج به کمک مردم وهم آهنگی ملت دارد و کمترین مخالفت از يك اقلیت بیا نبوده، ممکن است دولت نوظهور را ساقط کند و یا لا اقل از پیشروی سریع آن جلوگیری نماید .

اقلیت ناراضی که باخشم به حکومت جدید نگاه میکرد در درجه اول اهلیت پیغمبر صلی الله علیه وآله و بنی هاشم و در درجه دوم افرادی باشخصیت از اصحاب رسول خدا از قبیل سلمان و ابوذر و عمار یا سر و غیر آنها بودند .

در میان خانواده رسالت و بنی هاشم علی علیه السلام فرد شاخصی بود که مخالفین حکومت جدید چه از بستگان نزدیک پیغمبر خدا (ص) و چه غیر آنها گرد او جمع شده و درباره مشکل

جدید یعنی انتخاب خلیفه که بدون مشورت آنها انجام شده بحث و گفتگو میکردند و نظر و عقیده علی علیه السلام را در این باره میخواستند .

این اقلیت مردمی فتنه انگیز و آشوبگر نبودند و اجتماع و گفتگوی آنها در باره مسئله خلافت يك امر طبیعی بود زیرا بیشتر آنها از افراد برگزیده اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند و گذشته از اینکه میدانستند پیغمبر اسلام (ص) صریحاً این مقام را برای علی (ع) تمیز کرده خود را در حل و فصل کارهای اجتماع صاحب حق می دانستند که لا اقل طرف مشورت واقع شوند از این رو انتخاب خلیفه جدید را با تمجب و عدم رضایت تلقی کردند و بیش از همه علی این ابیطالب علیه السلام را ازین پیش آمد تمجب میکرد چنانچه در نامه ۶۲ از نامه ها و علی که در نهج البلاغه ضبط شده آمده است که: **فوالله ما كان يلقى في روعه ولا يخطر بباله ان العرب تزعم هذا الامر من بعده عن اهل بيته ولا انهم منحوه عنى من بعده فمار اعنى الا ائصال الناس على فلان يبايعونه فامسكت يدي** یعنی: بخدا سوگند هرگز بفکر من نمیآمد و بخاطر من خطور نمیکرد که عرب بعد از وفات رسول خدا (ص) امر حکومت را از اهل بیت او بیرون ببرند و خلافت اسلامی را از من بگیرانند . پس ناگهان دیدم اجتماع مردم پسوی فلان (ابوبکر) هجوم آورده با او بیعت میکنند پس من از بیعت با وی خودداری کردم طبیعی است که فاطمه زهرا (ع) دختر عزیز پیغمبر (ص) در باره خلافت، مانند علی (ع) فکر میکند و با تمجب باین انتخاب مینگرد .

این اقلیت محبوب و با شخصیت که علی علیه السلام در رأس آنها بود هوس انقلاب و کودتا در سره اشند بلکه تمجب آنها از انتخاب خلیفه و خشم و عصبانیت آنان از این حادثه کاملاً طبیعی و عادی بود گرچه افرادی فتنه انگیز از قبیل ابوسفیان به صلحت وقت با اقلیت پیوستند ولی علی (ع) در آن موقع حساس از فتنه انگیزی آنان جلوگیری میکرد که مبادا از این راه ضربه بزرگی باسلام وارد شود .

عکس العمل حکومت

این وضع اقلیت بود که در مقابل حکومت جدید بطور طبیعی پیش آمده بود ولی حکومت جدید که تازه میخواست رشد و پیشروی کند نمیتواند وجود این اقلیت با نفوذ و عصبانیت را تحمل کند دستگاه حاکمه و طرفداران آن تصور میکردند که خانه علی (ع) مرکزی است که بر ضد حکومت تازه تبلیغ میکند و از آنجا تبلیغات مخالف بسائر نقاط منتشر میشود .

بنا بر این باید پیش از آنکه حوادث نامطلوبی پیش آید هر گونه سازمانی را که بر خلاف سازمان حکومت کار میکنند بر چینه البته تمامکن است با مسالمت و مذاکره

باید با مخالفین کنار بیاید ولی آنجا که دیگر ملایمت و نرمی پیش نمرود ، با نیروی مسلح عناصر ضد حکومت را بکوبد .

بدیہی است عمال حکومت تا آنجا کہ میتوانند با افراد ناراضی گفتگو میکنند کہ تا بتوانند از عہدہ آنها بکاهند و بعضی را بانہدید و برخی را با وعدہ و یا راہهای دیگر راضی کنند کہ بکمک دولت جدید برخیزند و یا لا اقل مخالفت نکنند .
آخرین علاج :

طبعاً دستگاہ حاکمہ تا میتوانست با افراد ناراضی گفتگو کرد ولی درطی این رفتہ آمدہا و مذاکرات بخوبی معلوم شد کہ علی (ع) و چند نفر از بنی ہاشم و یاران سرسخت علی (ع) بہیچ قیمتی حاضر نیستند با حکومت جدید کنار بیایند این مشکل عجیبی بود کہ خیلی خلیفہ جدید و یاران وی را ناراحت کردہ و فکر آنان را سخت مشغول داشتہ است . آیا باید برای جلب موافقت علی (ع) و یارانش و یا برای درہم شکستن مخالفت آنان بہ نیروی نظامی متوسل شد ؟ توسل بقدرت سر نیزہ درمورد علی (ع) کار آسانی نیست زیرا اولاً خود علی (ع) مردی است دارای شخصیت فوق العادہ کہ تعرض و اہانت بوی ممکن است افکار عمومی را برضد دولت برانگیزد و مشکل را مشکلتر کند . و ثانیاً فاطمہ زہرا (ع) کہ تنها یادگار رسول خداست درخانہ علی (ع) است و تعرض بہ علی تعرض بفاطمہ عزیز محسوب میشود و خشم فاطمہ (ع) ممکن است بیش ازخشم علی مردم را تحریک کند و بہ تضریف دولت و اخیاناً بسرنگون کردن حکومت کمک نماید . ناگفتہ پیداست کہ باید اول بوسیلہ تہنیتات ؛ مخالفت علی (ع) و یاران وی را یک عمل غیرقانونی جلوہ دهند تا بتوانند حملہ بخانہ علی (ع) و توسل بہ قدرت نظامی را توجیہ نمایند و درہم شکستن مخالفت او و یارانش را قانونی و ضروری وانمود کنند . طبیعی است پس از فراہم کردن زمینہ از نظر تبلیغات آمادہ شدند کہ درمورد علی (ع) و یارانش بہ نیروی مسلح متوسل شوند زیرا این آخرین علاجی است کہ میتوانند بوسیلہ آن حکومت جدید را نگہداری کنند .

تعرض و تہاجم

متأسف کہ باید بنویسم بدستور خلیفہ جدید و موافقت یارانش جمعی با آمادگی کامل از نظر تہیہ نیروی مبارزہ و مقاومت بسوی خانہ علی (ع) حملہ بردند خانہ علی (ع) غرق در ماتم و عزاست و درغم مرگ پیغمبر (ص) از آنخانہ دائم اسدای گریہ و نالہ و سوز و گداز شنیدہ میشود ، فاطمہ عزیز باچشمانی اشکیار و روحی آزردہ و قلبی شکستہ در کنار فرزندان عزیزش در فراق پدر ارجمند وینالہ و زاری میکند علی (ع) کہ چشمان

اشک آلود فاطمه و فرزندانش رامی بیند دل آزرده اش آزرده دل و چشمان گریانش گریان تر میگردد ، نوه های عزیز پیغمبر (ص) حسن و حسین در سن هفت سالگی و شش سالگی از گریه و ناله پدر و مادر بیش از حد آزرده و غمگین میشوند و در غم جدائی جدها که دیگر بمنزل آنها نمیآید و آنها را در آغوش نمیگیرد و نوازش نمیکند اشک میریزند و ناله میکنند .
 خانه فاطمه (ع) غرق عزا و ماتم است اما حساب سیاست از این حسابها جداست .
 حکومت جدید باید مخالفین را بکوبد و فعالیتهای ضد حکومت رادار هم بشکند گرچه علی و همسرش مورد تعرض قرار گیرند .

نهاجم بخانه علی (ع) با مخالفت علی و فاطمه (ع) رو بر و شد ولی چون مهاجمین از نظر نیروی مبارزه مجهز بودند و علی (ع) مصلحت اسلام و مسلمین رادرسکوت میدید در اینها جم پیر و زشدند (۱) ولی آیا در این حمله و هجوم چه حوادثی رخ داد نمیخواهیم توضیح بدهیم قدر مسلم این است که دختر پیغمبر (ص) باندازه ای از این پیش آمد نگران و ناراضی بود که با امر ارزادی هم که خلیفه جدید کرد اظهار رضایت نکرد تا از جهان در گذشت (۲) ...

(۱) کتاب تشریح و محاکمه قاضی بهجت افندی ص ۷۸ نقل از کتاب المقدالفرید جلد ۳ ص ۷۷ و نقل از دائره المعارف وجدی . (۲) صحیح بخاری ج ۷ ص ۲۲۶ در ماده خلافت .

علی کیا

باز هم درباره کتاب پیامبر

نویسنده کتاب پیامبر زین العابدین رهنما در صفحه ۲۸۹ چاپ چهاردهم این کتاب در ضمن شرح حالات ابی بکر نوشته است :
 «غالب فرزندان او همانند خودش خوش قیافه بودند و زیباترین آنها دختر کوچک او عایشه بود . روزی مصعب بن زبیر او را ملامتی کرد که چرا روی خود را نمی پوشاند عایشه جواب داد من دوست دارم که مردم زیبایی مرا به بینند و برتری مرا بر خودشان بفهمند .
 در صورتیکه عایشه دختری بکر هیچگاه بدون نقاب در میان مردم ظاهر نمی شد این عایشه که در تاریخ صدر اسلام به بی حجابی معروف شده است عایشه دختر طلحه بن عبیدالله بوده است که مسلمین در اثر این کار با وی معاشرت و مجالست چندانی نمی نمودند .
 اشتباه آقای رهنما مولود همین تشابه اسمی است که بین این دوزن بر قرار است تعجب در این جا است که آقای رهنما برای اثبات مدعای خود کتاب صنایع الطرب را با قید صفحه بعنوان مدرك ذکر میکند و حال آنکه کتاب مزبور هم درباره عایشه دختر طلحه میباشد نه عایشه دختر ابوبکر همسر پیامبر امجد اسلام . بالاخره این هم یکی از اشتباهاتی است که آقای زین العابدین رهنما در کتاب پیامبر مرتکب شده اند .
 امید است که خوانندگان محترم این کتاب ، مطالب و نوشته های آنرا در صد تحقیقات تاریخی ندانسته و بر آن اعتماد ننمایند .